

ارتباط درآمد با تقاضای بیمه

ترجمه: مرتضی چینی چیان

۱ - هزینه جایگزینی اکثر کالاهای بادوام به نسبت درآمد جاری یک فرد و یا یک شرکت خیلی زیاد است؛ مثل هزینه ساختن خانه‌ایکه سوخته است و یا هزینه جایگزینی سکوی نفتی که خسارت دیده است.

۲ - چون چنین دارائیهائی ماهیتاً بادوام هستند، هزینه آنها در طول زمان مستهلک میشود. بدین لحاظ در طول عمر این قبیل دارائیهها باید با در نظر گرفتن استهلاک و تورم آمادگی لازم برای جایگزینی آنها بوجود آید.

راههای تأمین مالی هزینه جایگزینی محدود است. در اغلب موارد پس اندازهای شخصی یا در دسترس ناکافی و اعتبارات بانکی پرهزینه هستند. بنابراین بیمه تنها راه حل مناسب است. با افزایش درآمدهای فردی و خصوصی، سطح زندگی بهبود مییابد و این امر منجر به گسترش صنایع و افزایش بیش از پیش نیاز به پوشش بیمه‌ای میشود. به اصطلاح کینز، بالا رفتن درآمد دو مفهوم میل متوسط به بیمه و میل نهائی به بیمه را افزایش میدهد، مفهوم اول، یعنی میل متوسط به بیمه، حق بیمه را بصورت درصدی از درآمد تعریف میکند و مفهوم دوم، یعنی میل نهائی به بیمه بصورت نسبت افزایش حق بیمه به افزایش درآمد است. جدول (۱) نسبت بین حق بیمه و درآمد را نشان میدهد.

همچنین جدول (۱) نشان میدهد که در دوره پس از جنگ، رشد اقتصادی بطور پیوسته تقاضا برای بیمه را ترقی داده است. در طی سالهای تورمی و مشکل آفرین دهه ۱۹۷۰، نرخ رشد تقاضای بیمه کند شد. مقدار تقاضا برای بیمه، که بوسیله درصد میل متوسط بیمه اندازه گیری میشود، بشدت به مقدار

مقاله حاضر پژوهشی است در رابطه با درآمد و تقاضای بیمه که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله که توسط ولودک زاجلیک برشته تحریر درآمده و توسط آقای مرتضی چینی چیان استاد رشته اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی ترجمه شده است، عوامل مؤثر بر "میل متوسط به بیمه" و نحوه کاربرد این عامل در بازارهای ملی بیمه، مورد بحث قرار میگردد. درآمد، اعم از شخصی، ملی یا متعلق به شرکتها، تعیین کننده میزان تقاضا برای بیمه است و میتوان آنرا به دو بخش مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد. همبستگی^۲ میان درآمد و تقاضا برای بیمه در نشریات و کتب درسی بیمه مورد موشکافی کامل قرار نگرفته است و این امر اثر بازدارنده‌ای دارد.

در مقاله‌ای که برای اولین بار در آوریل ۱۹۸۱ به سومین نشست اقتصاددانان بیمه انگلیسی در دانشگاه ناتینگهام ارائه شد، من تئوری درآمدی کینز را در مورد بیمه بکار گرفتم. بطور خلاصه، این تئوری را چنین میتوان بیان نمود:

درآمد کل یک فرد (یک جامعه) قسمتی صرف کالاها و خدمات جاری و قسمتی صرف کالاها و خدمات دراز مدت (مصروف به کالاهای مصرفی با دوام) میشود. کالاهای مصرفی بادوام شخصی شامل خانه‌ها (املاک)، اتومبیلها، تجهیزات، جواهرات و مراقبت‌های بهداشتی شخصی میشوند.

توانائی در جایگزینی سریع کالاهای بادوام از طریق فراهم آوردن منابع مالی لازم جهت تأمین هزینه‌های جایگزینی نشان دهنده نیاز به حفاظت از کالاهای بادوام است. در مورد هزینه‌های جایگزینی دو نکته را باید خاطر نشان کرد:

جدول ۱

میل متوسط به بیمه کشورها در گروههای عمده

| کل برای: | ۱۹۵۰ | ۱۹۶۰ | ۱۹۷۱ | ۱۹۷۹ |
|--|------|------|------|------|
| آمریکای شمالی | ۵/۱۶ | ۶/۱۵ | ۶/۷۹ | ۷/۰۶ |
| جامعه اقتصادی اروپا (EEC) | ۲/۶۷ | ۳/۲۷ | ۴/۰۹ | ۴/۴۳ |
| کشورهای در حال توسعه (کشورهای غیر OECD) | ۰/۶۱ | ۰/۸۳ | ۱/۲۰ | ۱/۵۳ |

ماخذ: مجله سیگما جولای و آگوست ۱۹۸۱ (Sigma July/August 1981)

بستگی به چگونگی توزیع درآمدها و سطح متوسط درآمدها دارد. اگر متوسط درآمدها بالا باشد، توزیع مجدد درآمدها سطح زندگی را بالا خواهد برد و تقاضا برای کالاهای بادوام و تولیدات صنعتی را افزایش خواهد داد و نتیجتاً تقاضا برای پوشش بیمه‌ای را کاهش خواهد داد.

۲- در وضعیت تورمی، عامل اصلی وجود سیستم تعدیل شاخصی و میزان کارآئی آنست. از دید تئوری، اگر تعدیل شاخصی کارآئی داشته باشد، مسئله‌ای بوجود نخواهد آمد، یعنی وجود چنین سیستمی با کارآئی کافی همه بخشهای اقتصادی را بدون تاخیر زمانی زیر پوشش خود میگیرد. اما در عمل، کار ساده نیست، چون برای تشخیص مقدار اثر تورم بر روی بخشهای مشخص و سپس انجام تعدیل‌های لازم، تاخیر زمانی تا حدودی اجتناب ناپذیر است. بعلاوه تغییر نرخهای تورم برآوردها را غیر دقیق میکند و نیز نرخهای تورم بین بخشهای مختلف اقتصادی یکسان نیست. همچنین عدم تعالی که از جانب مقامات بیمه‌ای برای اختصاص ذخیره‌های جهت تعدیل نرخ تورم و خنثی سازی اثر تورم بر ذخائر و سرمایه پایه وجود دارد غالباً با محدودیت در طرح‌های سرمایه گذاری همراه میشود و وضع را وخیم تر میکند. مشکلات مربوط به تعدیل‌های نرخ تورم، نرخ ارز و انتقال پول مانع بزرگی بر سر راه بیمه اتکائی در خارج از کشور است. بنابراین

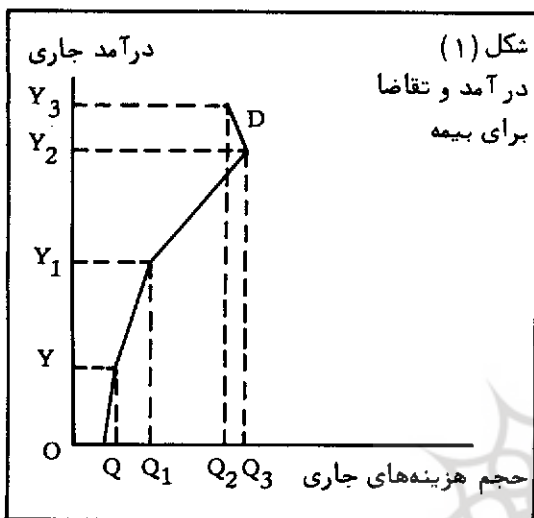
تولید ملی وابسته است. در طی سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد سریع اقتصادی کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا با رشد سریع تقاضای بیمه در آن کشورها همراه بوده است. همچنین این افزایش تقاضای بیمه همراه با افزایش درآمد سرانه (بر مبنای قیمت‌های جاری و نرخ جاری ارز) بوده است. در سال ۱۹۷۰ درآمد سرانه کشورهای صنعتی در سطح ۳۱۵۰ دلار آمریکائی و در سال ۱۹۸۰ در سطح ۱۰۳۳۶ دلار آمریکائی قرار داشت. معیناً، در طی همین مدت درآمد سرانه کشورهای غیرصنعتی به ترتیب بالغ بر ۲۲۸ دلار آمریکائی و ۸۹۵ دلار آمریکائی شد. در مقایسه ای مابین کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا EEC، ایالات متحده آمریکا و کانادا اختلافات مشابهی دیده میشود. مثلاً "در سال ۱۹۸۲، ارقام تولید ناخالص ملی GNP سرانه کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا ۸۷۱۹ دلار آمریکائی و تولید ناخالص ملی (GNP) سرانه ایالات متحده ۱۳۰۱۵ دلار بوده است.

رشد اقتصادی

میل متوسط به خرید بیمه برای بررسی بازار ملی بیمه مفید است. بهتر است عوامل عمده تعیین کننده میل متوسط به بیمه را به قسمت عوامل مؤثر بر درآمد ملی و عوامل دیگر مثل توزیع درآمد ملی، تورم و رکود و تراز پرداختها تقسیم کنیم:

۱- اثر رشد اقتصادی بر تقاضا برای بیمه

منظور شود. اثرات نوسانات فصلی در میل متوسط به بیمه سالانه منعکس میشود. چنین میل متوسطی میتواند زمینه‌ای برای روند جدیدی باشد که این روند تغییرات آینده میل متوسط به بیمه را نشان دهد، تغییرات آینده میل متوسط به بیمه بنوبه خود میتواند بر عرضه و تقاضای بیمه اثر بگذارد.



شکل فوق رابطه بین درآمد و هزینه‌های بیمه (حق بیمه) را نشان میدهد، هزینه‌های بیمه تابع حجم کالاها و خدمات بادوام (بیمه پذیر) است. DD منحنی تقاضا برای بیمه است که بصورت تابعی از درآمد و هزینه جاری بیمه (حق بیمه) کل دارائیهای بیمه پذیر آمده است.

هر نقطه‌ای بر روی منحنی DD، مثل نقطه C رابطه عددی بین حجم درآمد جاری OY و حجم هزینه بیمه مربوطه OQ را نشان میدهد، که این رابطه میل متوسط به بیمه است. در حالت عادی شیب منحنی DD به طرف بالا و به راست است. این وضعیت نشان میدهد که در وضعیت عادی توسعه اقتصادی با افزایش درآمد انتظار بالا رفتن سطح زندگی را باید داشت. بالا رفتن سطح زندگی بنوبه خود بمعنی افزایش حجم کالاها و خدمات بادوام و هزینه‌های بالاتر بیمه است. هر قدر انحنا منحنی DD بطرف راست بیشتر باشد در درآمد معینی میل متوسط به بیمه بیشتر خواهد بود از نظر اقتصاد خرد یا کلان شکل (1) را میتوان مورد تعبیر و تفسیر قرار داد و هر یک از تفسیرها

تورم برای تقاضای بیمه وضعیت نامساعدی ایجاد کرده و رشد میل متوسط به بیمه را محدود میکند.

سطوح جامعه اقتصادی اروپا (EEC)

مثلاً " مابین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۲ میل متوسط به بیمه کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا از ۳/۶ درصد به ۴/۶ درصد افزایش یافت، معهداً، در کشور آرژانتین، این ارقام در سطح ۱/۷ درصد و ۲/۲ درصد قرار داشت. بنا بر این، در آرژانتین هم تقاضا برای بیمه و هم میزان افزایش آن هنوز کمتر از نصف سطح کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا است چون این کشور هنوز جزو کشورهای تازه صنعتی شده طبقه بندی میشود.

با وجود این، رکود وضعیت پیچیده تری دارد. اگر رکود به همراه رشد کارآئی اقتصادی باشد، علی‌رغم بیکاری بالا، این امر رشد میل متوسط به بیمه را تضمین میکند. گوئی این مورد در باره کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا صادق بوده است. در کشورهای مذکور بین سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۴ (دوره‌ای با درصد بیکاری بالا همراه با افزایش نرخ بیکاری) میل متوسط به بیمه از ۴/۲ درصد به ۴/۵ درصد افزایش یافت، یعنی افزایشی برابر با نرخ متوسط معمول سالهای پس از جنگ. معهداً، بنظر میرسد که رکود صنعتی به همراه بیکاری انبوه میل متوسط به بیمه را کاهش خواهد داد، یعنی تقاضا برای بیمه کاهش خواهد یافت.

تراز پرداختهای مثبت چون صادرات بیمه را به کشورهای ماوراء بحار بالا میبرد، معمولاً " سبب میشود که میل متوسط به بیمه افزایش یابد.

عوامل تعیین کننده دیگری نیز وجود دارند که میتوانند مؤثر واقع شوند. مثلاً " ویژگیهای فرهنگی، پیشرفت سیاسی و فشار جمعیتی بر طرز تلقی کشورها در مورد بیمه تأثیر میگذارند.

میل نهائی به بیمه نشان دهنده نسبت بین درصد افزایش کل حق بیمه پرداختی به درصد افزایش درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی (هر کدام که در دسترس باشد) است. اگر ارقام فصلی در محاسبه میل متوسط به بیمه سالانه

دائمی درآمد ملی، میل متوسط به بیمه نزولی OQ_2, OQ_3 است.

در تفسیر اقتصاد خرد نیز چهار مرحله وجود دارد:

مرحله اول، دامنه درآمدی OY ، نشان دهنده اشتغال اولیه با درآمد پائین است. در این مرحله هزینه بیمه فقط شامل کالاهای بادوام مثل دوچرخه که مستلزم پرداخت هزینه‌های ناچیز بیمه است میشود. مرحله دوم، دامنه درآمدی $Y_1 Y_2$ نشان دهنده "تلاشی برای پیشرفت" با هزینه‌های اجتماعی فراوان است، در این مرحله هزینه برای کالاهای مصرفی بادوام (مثل موتورسیکلت) به آهستگی افزایش مییابد.

مرحله سوم، درآمد $Y_1 Y_2$ ، نمایانگر افزایش سریع هزینه بیمه (شیب منحنی DD به سرعت به بالا و به راست حرکت میکند) است و نشان دهنده افزایش سریع کالاهای مصرفی بادوام مثل خانه یا اتومبیل است. مرحله چهارم نشان دهنده کاهش استثنائی میل نهائی به بیمه بعلت بیماری یا بازنشستگی است. در این مرحله بخاطر بازده سرمایه گذاریهای قبلی یا اشتغال بیشتر، درآمد همچنان اضافه میشود، اما احتمال کمی وجود دارد که کالاهای مصرفی بادوام افزایش یابد. در این مرحله، افزایش یا کاهش درآمد همراه با میل متوسط به بیمه نزولی است. در صورت کاهش درآمد منحنی DD بطرف پائین و چپ حرکت خواهد کرد.

دورنمایی از رشد تاریخی را ترسیم می‌نمایند. اگر از نظر اقتصاد کلان بدان بنگریم، محور عمودی درآمد (تولید) ملی و محور افقی حجم هزینه‌های بیمه را نشان میدهد. چهار مرحله وجود دارد.

مرحله اول، در درآمد ملی برابر با OY ، و هزینه‌های بیمه OQ است. در سراسر دامنه درآمدی OY هزینه‌های بیمه تقریباً ثابت است. افزایش مختصر حق بیمه در این مرحله بعلت وجود پاره‌ای از بیمه‌های اجباری و آثار رفاهی دولتی و وجود کالاهای سرمایه‌ای که صرف تولید کالاهای مصرفی میگردد سبب میشود مقادیر مشخصی از هزینه‌های بیمه افزایش یابد. مرحله دوم توسط دامنه درآمدی $Y_1 Y_2$ نشان داده شده است، در این مرحله افزایش درآمد گرایش به بالا بودن سطح زندگی دارد. شیب بطرف بالا به راست منحنی DD این امر را مشخص میکند، و نشان میدهد که میل متوسط به بیمه در حال افزایش است.

مرحله سوم، دامنه درآمدی $Y_1 Y_2$ ، نشان میدهد که سطح زندگی در حال افزایش، منجر به افزایش چشمگیری در میل متوسط به بیمه میشود. این مورد در کشورهای صنعتی غرب صادق است، مثل کشورهای اروپائی و ایالات متحده آمریکا.

مرحله چهارم با دامنه درآمدی $Y_2 Y_3$ ، حالت استثنائی دارد، در این حالت شیب منحنی DD به عقب برمیگردد و نشان میدهد که علیرغم افزایش

پاورقی

- 1- Wlodek Zajdlc
- 2- Average Propensity to Insure
- 3- Correlation
- 4- Theory Keynesian Income
- 5- Indexation

مراجع:

- 1- Sigma May 1984
- 3- "International Insurance Report" June 1985

۲ - "شاخصهای اصلی اقتصادی" انتشارات OECD، ارقام مربوطه.